



مروری بر نمایشگاه‌های سال ۱۴۰۱

نگار کریم‌خانی

دفترهای زمینه

دفترهای زمینه مجموعه‌ی جدیدی است که در وبسایت «زمینه» منتشر می‌شود. این مجموعه شامل مطالبی عمومی درباره‌ی هنر معاصر است و ارتباطی مستقیم با فضای هنر ایران خواهد داشت و مخاطب آن عموم علاقه‌مندان به هنر هستند. در دفترهای زمینه گزارش و مرور اتفاقات دنیای هنر و نمایشگاه‌ها، نقد و یادداشت و گفت‌وگو و گاه پرونده‌هایی که در اینستاگرام «زمینه» منتشر شده‌اند را می‌توانید بخوانید.

مروری بر نمایشگاه‌های سال ۱۴۰۱

نگار کریم‌خانی

مرور آنچه گذشته، مانند حل کردن پازل، فعالیت ذهنی سرگرم‌کننده‌ای است. گویی اجتناب‌ناپذیر است و همه‌ی ما در آخر سال به دست‌آوردها و شکست‌های مان می‌اندیشیم و سختگیرانه و یا خوش‌بینانه به قضاوت می‌نشینیم. ما نیز در «زمینه» به بعضی از نمایش‌های سال ۱۴۰۱ نگاهی داشته‌ایم و به نظر می‌رسد در مسند رسانه قدرت بیش‌تری در بازنگری داریم. شاید مرور یک سال در سطحی وسیع‌تر، منجر به نتیجه‌ای عمیق‌تر مثل دست یافتن به چشم‌اندازی جامعه‌شناختی شود.

آیا اوضاع اقتصادی ایران طوری بر نقاشان تأثیر گذاشته که اندازه‌ی بوم اغلب آن‌ها آب رفته باشد؟ شاید به مواد دست‌ساز روی آورده باشند و تجربه‌هایی مادی با رنگ‌دانه و چسب و پارچه ببینیم. شاید دسترسی محدود یک جامعه به منابع اطلاعاتی جهانی مانند اینترنت، باعث شده باشد تا

هنرمندان به آرشیوها و رسانه‌های چاپی مانند کتاب و عکس و روزنامه رجوع کنند. زمانی که هنرمند در کارگاه خود برای تولید اثر تازه‌ی خود عکس‌های خانوادگی‌اش را برش می‌زند شاید به این نیندیشد که یک جامعه همراه او سر خود را به پشت برگردانده است. اما ما همراه «زمینه» که ده‌ها نمایشگاه با درون‌مایه‌هایی یکدست دیده‌ایم، چه؟

رجوع به خاطرات همیشه با تحریف آن همراه است. ما هیچ‌گاه رویداد اصلی را به یاد نمی‌آوریم بلکه آخرین نسخه‌ی به‌یادمانده را برای دستکاری ثانویه بیرون می‌کشیم. مروری که بر «مرور نمایشگاه‌ها»ی زمینه می‌شود تنها نگاهی به تصاویر ثابت آثاری نیست که یک بار نمایش داده شده‌اند. هرکدام ماجرا و تجربه‌ای شخصی یک انسان است از یک بازدید. مسیری از قرار گرفتن یک بدن را در یک فضا مشخص می‌کند. شدت و حدت تأثیر نور، رنگ و ماده برای هر فرد نسبت به جنسیت، قومیت و ویژگی‌های فردی او تغییر می‌کند. خیلی ساده چیدمانی پر جزئیات که روی زمین قرار گرفته باشد، کسانی را که به خم شدن عادت ندارند از حوزه‌ی امن خود خارج می‌کند. شاید زمانی که به خواندن این مرورها از منظر فردی یکسان بنشینیم ردی از تجربه‌های پیشین در هر نمایشگاه بیابیم، درست مانند تأثیر پی‌درپی گسترده‌ای که هر عضو کوچکی مثل گالری، هنرمند، اثر و حتی ضرب‌قلم در شکل‌گیری یک دوره‌ی هنری می‌گذارد.

«آثار اخیر در دوران قرنطینه»

فریدون آو

نمایشگاه انفرادی چیدمان و نقاشی

گالری «۲+» و «زیرزمین دستان»

۱۹ فروردین تا ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

بیشتر اوقات نقاشی از سفیدی و روشنایی شروع می‌شود، درست مانند عکاسی، به شکل تناقض‌آمیزی هر آن‌چه به آن نور بخورد سیاه و پدیدار می‌شود، اما زمانی که هنرمند سطح تیره را برای کار برمی‌گزیند انگار ماجرا برعکس می‌شود. گویی هر رد که بر آن سطح می‌اندازد روزنه و خراشی است که نور از آن جاری شده است. این روشن‌سازی با عمل نقاشانه‌ی آو صورت می‌گیرد. در این داستان، ما همراه هنرمند، در سمت تاریک دیوار قرار گرفته‌ایم. قرنطینه همان اتاق تاریکی است که همه‌ی چیزهای هیجان‌انگیز خارج از آن رخ می‌دهند. شاید این ماندن در خانه ما را از محیط‌های طبیعی دور نگه داشته و این عطش برای لمس و دیدن طبیعت نتیجه‌ی آن باشد. به خصوص برای فریدون آو که طبیعت همیشه جرقه‌ی اصلی برای خلق کارهایش بوده است.



«آثار اخیر در دوران قرنطینه»،
فریدون آو،
گالری «۲+» و «زیرزمین دستان»

**«چهارده هنرمند از سده چهاردهم»
نمایشگاه گروهی نقاشی
به کیوریتوری فریدون آو
گالری «هما»**

۱۸ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

نمایشگاه را چند جفت اثر تشکیل می‌دهند؛ جفت به این دلیل که دقیقاً طوری چیده شده‌اند که هر دو اثر از دو اثر بعدی فاصله داشته باشند. اسپات‌لایت‌ها (نورهای لکه‌ای) هم ضرب‌آهنگ دوتایی نمایش را تکرار می‌کنند. هر جفت از آثار متعلق به یک هنرمند است. برچسب اطلاعاتی که کنار آن‌ها قرار گرفته تنها اسم را نشان می‌دهد، خبری از اسم مجموعه و یا اسم اثر نیست. البته آثاری که از هر هنرمند انتخاب شده آثاری هستند که معمولاً به آن شناخته می‌شود. فریدون آو صحنه‌ی هنر کشور خود را به خوبی مطالعه می‌کند؛ همان مقدار و شاید بیش‌تر از آن چه تولید می‌کند، هنر تهیه می‌کند. فعالیت او در جایگاه کیوریتور و مجموعه‌دار به شکل نزدیکی به یکدیگر گره خورده است. او جسورانه نمایشگاه را بازتاب کوتاهی از هنر یک سده می‌خواند. با وجود این در سطحی موزه‌ای با صدها هنرمند کار نمی‌کند یا روایتی با ترتیب وقوع زمانی شکل نمی‌دهد. آو این چهارده هنرمند را برمی‌گزیند و از هر کدام یک جفت اثر نشان‌مان می‌دهد: مسعود اصلانی، نجمه پاشایی، علی رازقندی، داوود کاظمی، هایده ایازی، ایرج تهرانی، بیژن صفاری، ملکه نائینی، صادق بریرانی، امیر خجسته، شقایق عربی، لیلا پازوکی، افشان دانشور، مجید فعال.



«چهارده هنرمند از سده چهاردهم»
به کیوریتوری فریدون آو،
گالری «هما»

«یادداشت»
عاطفه محرری
نمایشگاه انفرادی نقاشی
پروژه‌های «۰۹۸۲۱»
۱۱ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

معمولاً دقت به تکنیک مواد و شیوهی نقاشی لابه‌لای حرف‌های مهم‌تر درباره‌ی مفهوم و موضوع گم می‌شوند. خصوصاً زمانی که اثر، هم‌چون کارهای عاطفه محرری، بازنمایانه و عینی باشد کم‌تر می‌شود در وصفش درباره‌ی تجربه‌ی ترکیب رنگ و طراحی فرم صحبت کرد. شاید اندازه‌ی کارها باشد که یادآور تجربه‌هایی در زمان آموزش هنر می‌شود. کشمکش‌هایی مانند این که چطور چند فرد را هم‌زمان در یک کادر بگنجانیم؟ اغلب نمای دور و چشم‌اندازهایی که فیگورها را کامل در خود جای می‌دهد را یا در بوم‌های چند متری، به شیوه‌ی استادان قدیم، و یا در قاب سینما و عکس دیده‌ایم. هنرمند، که پیشینه‌ی معماری هم دارد، رابطه‌ی خوبی با مقیاس و پرسپکتیو دارد. او فیگورها را بازیگران اصلی نمی‌بیند که تمام جزئیات‌شان را به دقت نمایش دهد. آن‌ها پرسونا‌هایی در یک نمای بزرگ‌تر هستند. حتی خود او در جایگاه بیننده‌ی اولیه از آن‌ها فاصله گرفته و تنها پشت یا نیم‌رخشان را می‌بیند.

همان‌طور که به نظر می‌رسید کادرهای افقی ادوارد هاپر از یک فیلم برداشته شده‌اند، این نقاشی‌ها گویی به عکس‌هایی ارجاع می‌دهند که با گوشی گرفته شده‌اند. آن‌ها فوری بودن یک عکس را با ثابت کردن شعله‌ی آتش یا حرکت افراد نشان می‌دهند. اما در عین حال پرداخت نقاشانه‌شان حالتی از رجوعی پرتأمل به یک خاطره را دارند. این تصاویر هرچند یادداشت‌هایی شخصی باشند، برای مخاطب آشنا هستند.



«یادداشت»
عاطفه محرری،
پروژه‌های «۰۹۸۲۱»

«باغ محصور»
نویسا صیادیان
نمایشگاه انفرادی نقاشی
گالری «شریف»
۱۶ تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

در هنر معاصر نمی‌توان یک روش مرسوم را برای نمایش طبیعت نام برد؛ هر هنرمند شیوه‌ی خود را دارد. اما چشم ما اغلب به فرم‌های ارگانیک و خطوط افقی عادت دارد. نویسا صیادیان سعی می‌کند عناصر طبیعی را از بستر اصلی خود جدا کند، با وجود این، آثار او همچنان به عنوان منظره شناخته می‌شوند. حتی انتخاب رنگ سبز برای بخشی از دیوارهای گالری، یادآور مجدد فضایی است که او درباره‌ی آن نقاشی می‌کند. قاب‌های هنرمند گویی از چند تصویر برش‌خورده ساخته شده‌اند. برش‌هایی که در یک کل فهم می‌شوند و در عین حال مستقل هستند. صیادیان آثار خود را به ستارگان تشبیه می‌کند، شیء‌هایی که تصویر آن‌ها را سال‌ها پس از حضورشان در یک موقعیت دریافت می‌کنیم. زمان اهمیت ندارد تنها وضعیت قرار گرفتن‌شان است که نمایش می‌یابد.



«باغ محصور»،
نویسا صیادیان،
گالری «شریف»

«چند وضعیت»

مینو عمادی

نمایشگاه انفرادی نقاشی

گالری «اُ»

۲۳ اردیبهشت تا ۳ خرداد ۱۴۰۱

«چند وضعیت» در واقع به چند زمینه اشاره می‌کند، چند موقعیت مختلف که هرکدام باعث شکل‌گیری بخش خاصی از آثار هنرمند شده است؛ از شیفتگی هنرمند به هنر گرافیک که ویژگی تخت رنگ‌ها و صراحت را به نقاشی‌ها بخشیده، تا تمرین یوگا و حتی قوانین بنیادی جهان. در بخش ورودی نمایشگاه دیواری برای برشمردن این زمینه‌ها در نظر گرفته شده است که متن‌ها و طراحی‌های مرتبط با هرکدام روی آن نصب شده است.

از نظر هنرمند تمام هیجان نقاشی به چالش‌برانگیز بودن آن است. زمانی که قرار باشد او در نقاشی از قواعد طبیعت پیروی کند، دیگر مسئله‌ای برای حل کردن و در نتیجه لذتی برایش وجود نخواهد داشت. بنابراین، هنرمند دنیا و زبانی با قانون‌های خود را خلق می‌کند. این زبان عناصر هنرهای تجسمی و زیبایی‌شناسی را به کار گرفته تا هم وضعیت‌هایی از زندگی شخصی هنرمند را توصیف کند و هم مسائلی برای خود تصویر به وجود بیاورد.

«چند وضعیت»،

مینو عمادی،

گالری «اُ»



«بر باد رفته»

پروژه‌ی پویا آریان‌پور

به کیوریتوری مریم مجد

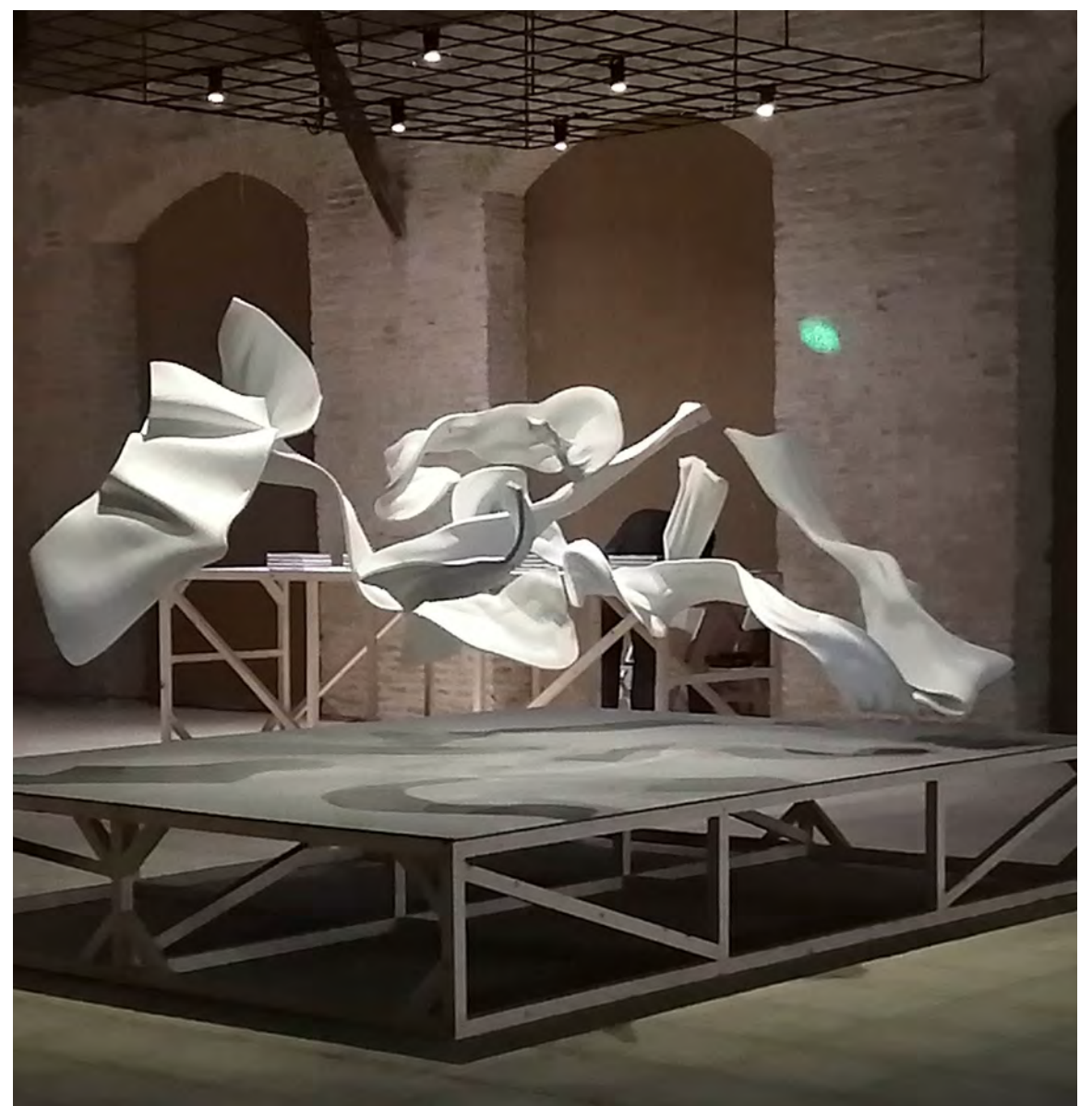
کارخانه‌ی قند کهریزک

۱۶ اردیبهشت تا ۲۰ خرداد ۱۴۰۱

این چیدمان تجربه‌ای شخصی و روایتی از زندگی هنرمند است. با وجود این، عناصر مختلفی آن را به یک نسل و جامعه نسبت می‌دهند. این موضوع که آثار در مقیاسی چنین بزرگ اجرا شده‌اند، یا اشاره‌ی فرمی به پرچم، به عنوان متحدکننده‌ی ملتها و استفاده از آینه که منعکس‌کننده‌ی تک‌تک تماشاگران است به‌شکلی ضمنی این چیدمان را از روایتی فردی فراتر می‌برد. بخش دیگری از چیدمان که طراحی‌ها و منابع الهام هنرمند کنار یکدیگر نصب شده‌اند به ما نشان می‌دهد که فرد نمی‌تواند خالق یکتای اثر باشد و بستر تخیل هنرمند در نظامی معاصر شکل گرفته است.

به طور کلی باد موضوعی اصلی است. عاملی که موجب حرکت می‌شود، تازگی و ویژگی‌های مثبت را همراه می‌آورد و در عین حال هر آنچه را تا پیش از این ثابت بوده است جابه‌جا می‌کند و تغییر می‌دهد. آریان‌پور مواد سنگینی مانند آینه و آهن را به حرکت در می‌آورد، کاری که تنها با قطعه قطعه ساختن آن‌ها ممکن است. او روایتی از معلق بودن و دگرگونی را شکل می‌دهد.

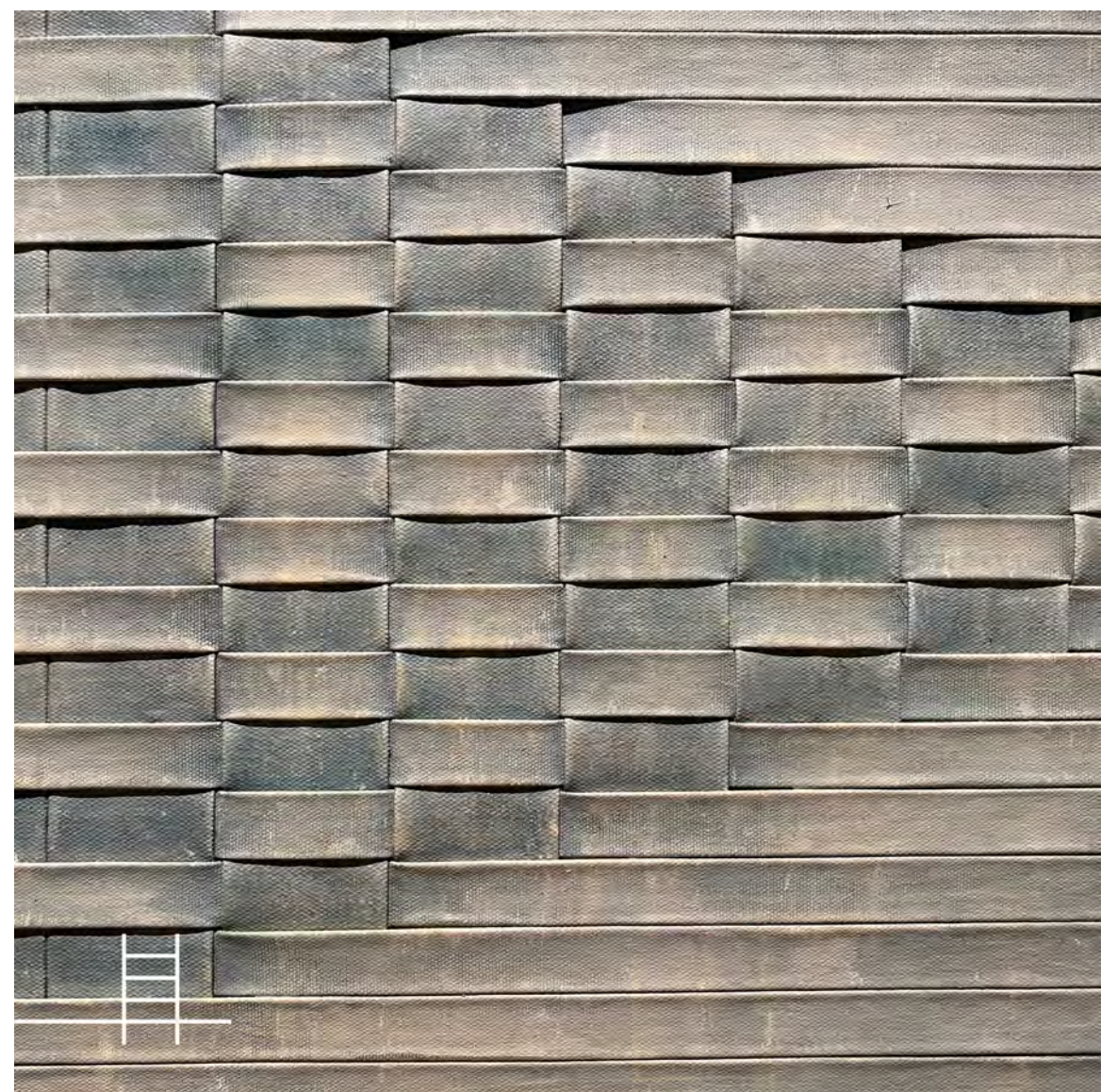
«بر باد رفته»،
پروژه‌ی پویا آریان‌پور،
کارخانه‌ی قند کهریزک



مریم عابدی
نمایشگاه انفرادی نقاشی
گالری «اثر»
۶ تا ۲۷ خرداد ۱۴۰۱

آثار مریم عابدی برای یک تجربه‌ی رو در رو خلق شده‌اند. او یک تصویر صرف تولید نمی‌کند بلکه نقاشی را می‌بافد. سطح کار خود را با بافتن نوارهایی که با پارچه‌ی بوم ساخته شدن، مانند تار و پود، می‌سازد و سپس نقاشی می‌کند. با وجود این نمی‌توانیم به چشم نقش برجسته یا یک شیء به آن بنگریم، آن قدر نظم و هنر دست در آن دخیل است که گویی این برش‌ها بار دیگر به یک سطح یکدست تبدیل می‌شوند. این دقت و نظم یادآور سازه‌های معماری و بناهای باستانی‌ای است که حضور دست را در خود محو کرده‌اند. در عین حال رمز و رازی در آن‌ها نهفته است. مریم عابدی نشانه‌های عالم هندسه و طبیعت را به کار می‌گیرد و با یک زبان رمزگون به نقاشی تبدیل می‌کند.

«گر بر فلکم دست بدی چون یزدان...»،
مریم عابدی،
گالری «اثر»



«فرازفرود»

پیمان شفیعی‌زاده و محمد غزالی

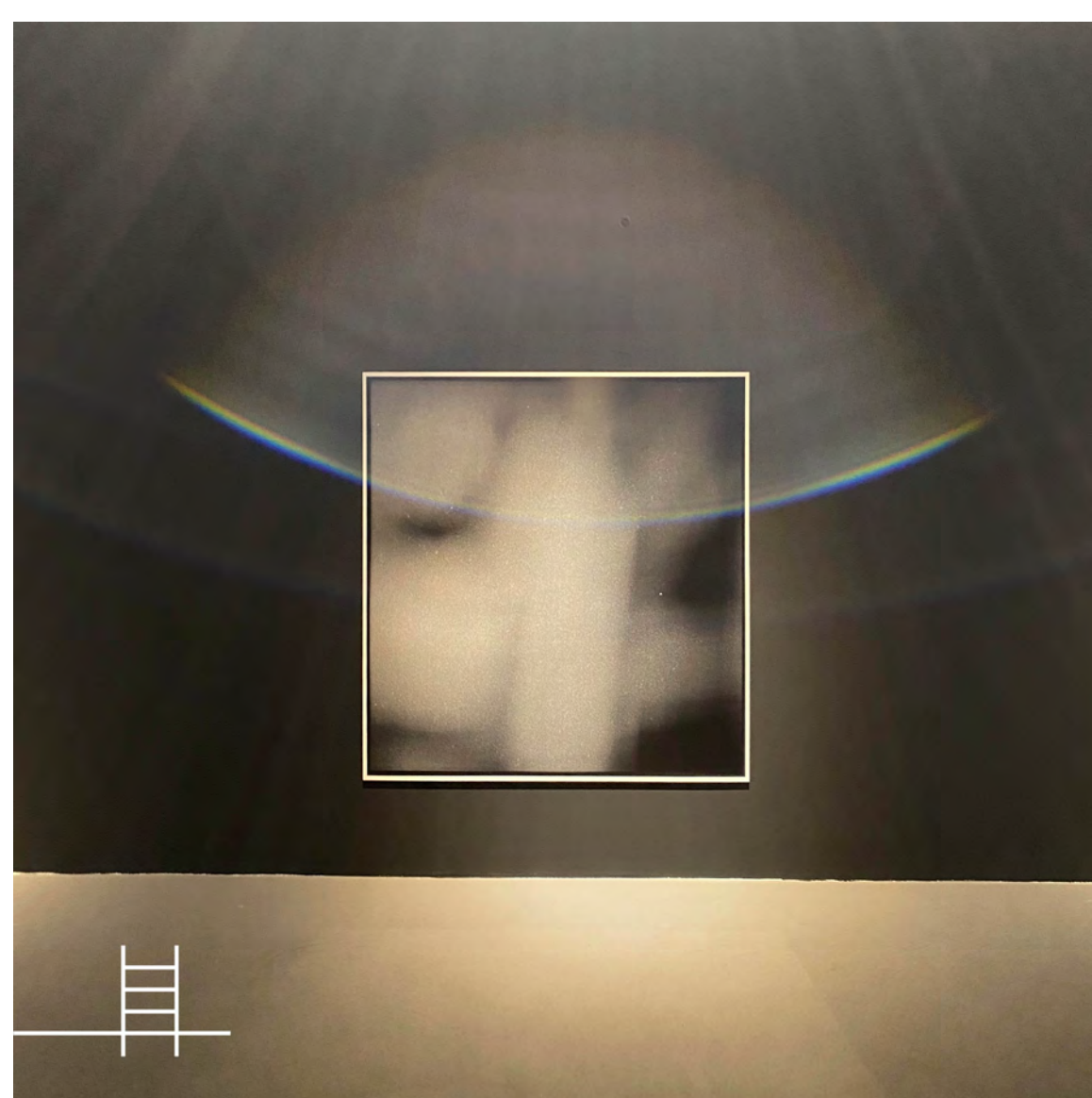
نمایشگاه چیدمان و عکس

کیوریتوریال پروژه‌های «وتن»

«پروژه‌های نواحی»

۲۰ تا ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

نمایشگاه دونفره‌ی «فرازفرود» تصویری از دو روی یک سکه را نشان می‌دهد. درباره‌ی چیزی صحبت می‌کند که مدام می‌چرخد و به مفهوم متضاد خود تبدیل می‌شود. برای اشاره‌ای ملموس‌تر، در بیانیه‌ی نمایشگاه از خاطره‌ی بازی «بالابلندی» استفاده شده است. جایی که تنها با یک لمس نقش‌های متضاد جابه‌جا می‌شدند. ما با وارد شدن به گالری هم درگیر چنین پویایی‌ای می‌شویم. برای تماشای یک تابلو آمده‌ایم اما قاب پیمان شفیعی‌زاده خالی به نظر می‌رسد. گویی جایگاه‌مان تغییر کرده و آن‌سوی دیوار قرار گرفته‌ایم، پشت تابلو را می‌بینیم، جایی که سیم نگه‌دارنده از میخ آویزان می‌شود. در امتداد این داستان تضاد و تعویض، آثار محمد غزالی قرار می‌گیرند. به حسی از درماندگی ارجاع می‌دهند که حتی موقع فاتح و پیروز بازی شدن هم سراغ‌مان می‌آید. اما این‌بار قصه درباره‌ی فرار نیست. اتفاقاً این حس درماندگی با لمس درمان می‌شود. عکس‌های غزالی درباره‌ی تصویری از یک منجی است، تصویری که زمانی که در قعر گودال گیر افتاده باشیم محو می‌شود و کم‌کم خیالی به نظر می‌رسد.



«فرازفرود»،

شفیعی‌زاده و محمد غزالی

کیوریتوریال پروژه‌های «وتن»،

پروژه‌های نواحی

«ملعبه‌ای برای لیلیث»

حمزه فرهادی

نمایشگاه انفرادی نقاشی و چیدمان

گالری «اعتماد»

۲۷ خرداد تا ۲۱ تیر ۱۴۰۱

متنی که در مدخل نمایشگاه قرار دارد خطاب به لیلیث نوشته شده است. او را به خانه‌ای پر از پنجره دعوت می‌کند که در آن بزمی جاری است. تک‌تک بوم‌های نقاشی با قوس‌هایی معماری‌گونه همگی تداعی‌گر قاب پنجره‌اند. در گوشه‌ی کادرها هم اشاراتی به این بزم وجود دارد، از ظرف‌های میوه تا جام‌هایی پر از نوشیدنی. در تمام کارها، قطعه‌ای نامتعارف وجود دارد. چیزی که به نظر می‌رسد همان اسباب‌بازی لیلیث باشد. هربار هم شکل و جنس آن تغییر می‌کند. یک‌بار صیقلی و فلزگون و سنگین، بار دیگر شیشه‌ای و شکننده و باری بادکنکی و معلق. این لحن متغییر درست در زبان نمایشگاه هم تکرار می‌شود. ابتدا در کارها ارجاعی به یک شخصیت از داستانی الهی، کهن و خیال‌انگیز دارد، سپس نشانه‌هایی از طراحی معاصر را در ظروف نقاشی شده می‌بینیم. در نهایت همه‌ی آن‌ها یک نقطه‌ی مشترک پیدا می‌کنند، گویی این بزم و تفریح و میوه و گل چیزی است که سال‌ها تکرار شده است. یک وانیتاس؛ تصویری یادآور گذرا بودن همه‌چیز. ملعبه‌ای که همیشه آینده‌ایی است و آخر بازی ما را به دیدن خودمان تنها می‌گذارد.

«ملعبه‌ای برای لیلیث»،
حمزه فرهادی،
گالری «اعتماد»



«شب/توافق»

امین طهرانی

نمایشگاه انفرادی نقاشی

گالری «طراحان آزاد»

۱۰ تا ۲۱ تیر ماه ۱۴۰۱

آثار امین طهرانی در بیانیه‌ی نمایشگاه به نمونه‌ای از ادبیات تشبیه شده است، ادبیات داستانی‌سکی. نقاشی‌ها اتفاقاً روایت و قصه‌ای را دنبال نمی‌کنند. طهرانی حتی شخصیت‌های تصاویرش را در یک فضا قرار نمی‌دهد. شباهت کارهای او به ادبیات از نظر نوع برخورد است: در جسارت، صبر و دقت. او داستانی تعریف نمی‌کند اما احساسات را توصیف می‌کند. حتی اگر حسی را به واسطه‌ی رفتار انسانی تصویر نکند به معنای واقعی کلمه حال و هوا را می‌کشد. تصویرها و پرداخت او آن قدر کلاسیک‌اند که گویی سوژه را با شمع و به طور موضعی روشن می‌کند و باقی چیزها در تاریکی فرو می‌روند. اما به نظر می‌آید سیاهی چیزی نیست که بر او چیره شود. هنرمند تاریکی را در آغوش کشیده و بر آن غالب است.



«شب/توافق»،
امین طهرانی،
گالری «طراحان آزاد»

**«زمان در گذر»
الهام پورخانی
نمایشگاه انفرادی نقاشی
گالری «باوان»
۱۷ تیر تا ۳ مرداد ماه ۱۴۰۱**

هنرمندان نقاش معمولاً به آسانی جرئت وارد شدن به عالم نگارگری را پیدا نمی‌کنند. همیشه تعلیم و آموزش این هنر اصولی سخت‌گیرانه داشته است. البته که الهام گرفتار و به کار بستن زیبایی‌شناسی مکتب‌های مختلف نگارگری در نقاشی معاصر کار رایجی است. الهام پورخانی شیوه و مهارت‌های مختلفی مثل تذهیب و تشعیر و پرداز را به خوبی فرا گرفته و به کار می‌بندد. مهارت‌هایی که به او اجازه می‌دهند تا بتواند ساختارشکنی کند. او تصاویری کهن از داستان‌های نظامی، فردوسی و... را بازسازی می‌کند و چیزهای جدیدی به آنها الحاق می‌کند. «زمان در گذر» رفتار هنرمند را با تاریخ نشان می‌دهد، چیزی که در حال محو و پاک شدن است. بخش‌هایی از آن نیاز به مرمت دارند و بخش‌هایی دیگر بهتر است پاک شده باقی بماند تا بستری برای ساختن چیزهایی بهتر باشد.



«زمان در گذر»
الهام پورخانی
گالری «باوان»

«به سمت ما می‌آید»

درسا بسیج

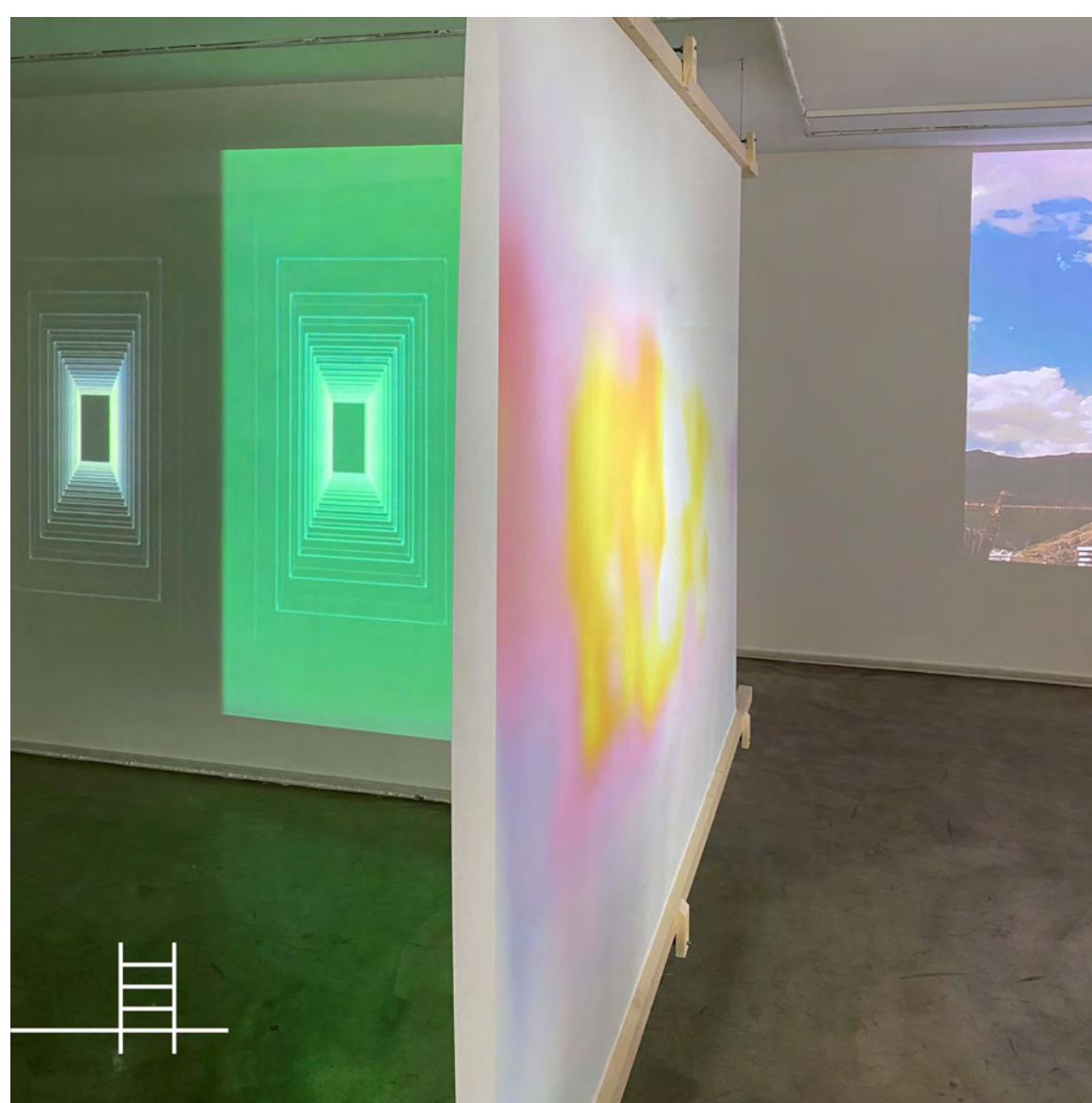
نمایشگاه انفرادی چیدمان ویدئو و عکس

به کیوریتوری البرز کاظمی

گالری «زیرزمین دستان»

۳۱ تیر تا ۲۸ مرداد ماه ۱۴۰۱

زمانی که به نابودی چیزی می‌اندیشیم، فرایندی زمان‌بر و تدریجی به ذهن‌مان نمی‌رسد، بیش‌تر به لحظه‌ای ناگهانی، چیزی شبیه به یک انفجار فکر می‌کنیم. درسا بسیج با زمان‌بندی این زوال و نابودی بازی می‌کند. او گذر زمان را درست پس از انفجار به ما نشان می‌دهد. زمانی که یک توده‌ی گاز آرام آرام گسترده و محو می‌شود و انفجار اثری ماندگار از خود به جای می‌گذارد. دو تصویر بزرگ که روبه‌روی هم در گالری نصب شده‌اند این توده‌های گازی را نشان می‌دهند. تصویر از یک نمایشگر دیجیتال عکاسی شده است و به همین علت محو و نرم می‌نماید. هنرمند در ویدئویی که میان این دو اثر نصب شده است به زمانی دیگر اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد این آسمان آبی، آرامشی پیش از واقعه و انفجار را نشان بدهد. چند ثانیه که از ویدئو می‌گذرد، فریم‌هایی کوتاه این آرامش را برای چند صدم ثانیه مخدوش می‌کنند. به حدی که نمی‌توانیم حتی متوجه شویم که تصویر چه چیزی را می‌بینیم.

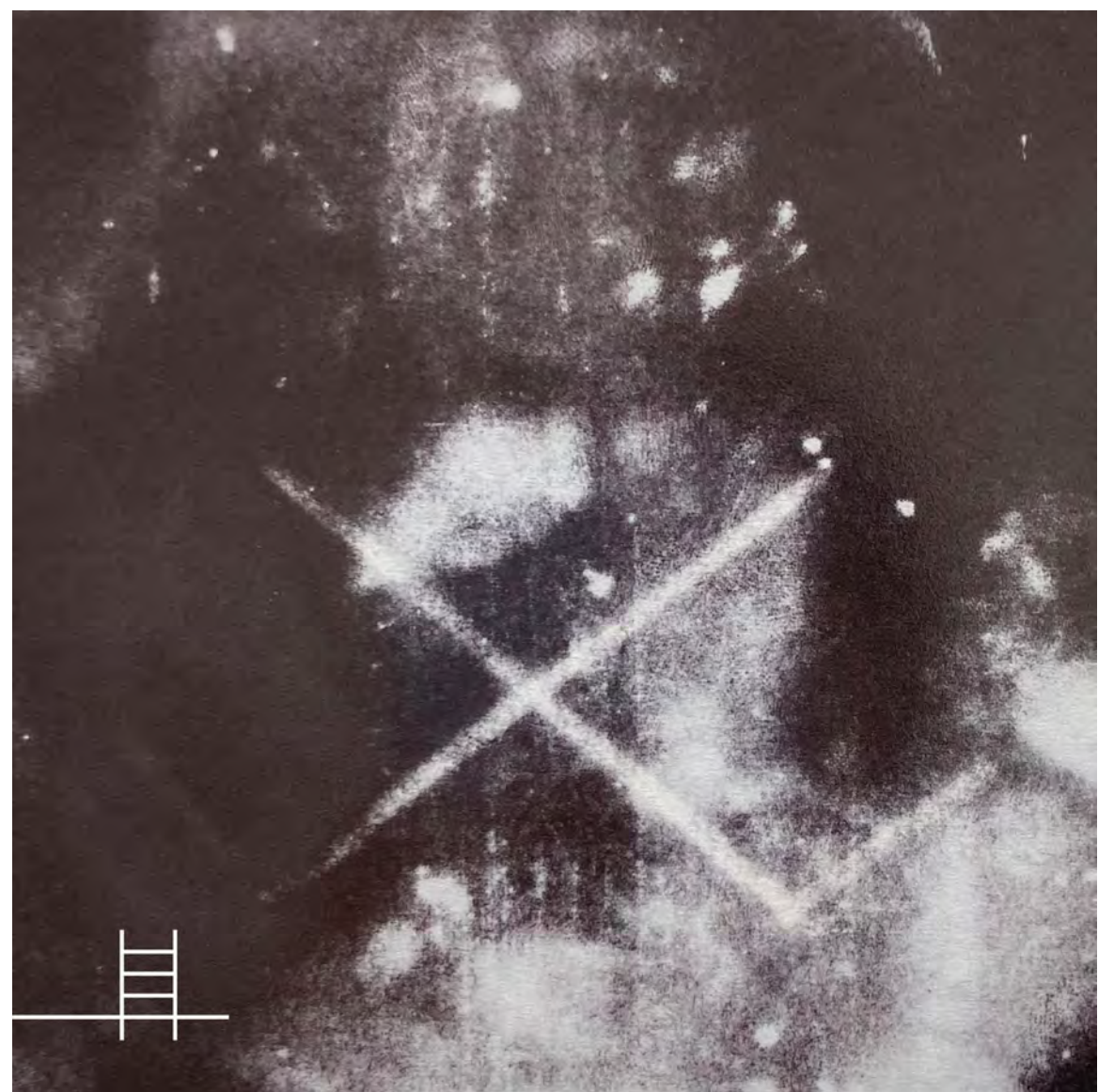


«به سمت ما می‌آید»،
نمایشگاه انفرادی درسا بسیج،
گالری «زیرزمین دستان»

«درگیری با نور»
نمایشگاه انفرادی چیدمان
امیرسامان ابراهیمی
چیدمان صدا: نیما پورکریمی
گالری «امکان»
۷ تا ۲۱ مرداد ماه ۱۴۰۱

هنرمندان معاصر بسیاری حول مواد و متریال کنجکاوی می‌کنند، مثلاً این‌که رنگ‌دانه‌های سنگین و سبک چطور سوار بر آب روی کاغذ سفر می‌کنند. کجا قرمزها از زردها کندتر حرکت می‌کنند و کجا یکدست نارنجی دیده می‌شوند. آن‌ها دغدغه‌ها و احساسات انتزاعی خود را در بازی با مواد ملموس می‌سازند. امیرسامان ابراهیمی این تجربه را با کاغذ حرارتی انجام می‌دهد. سطحی که با ماسکه کردن سفید باقی می‌ماند و با فشار و حرارت دادن گاهی حتی با یک انگشت اثر می‌پذیرد. فرایند تشکیل این تصویرها بیش‌تر شبیه عکاسی است تا نقاشی چرا که نور عاملی برای حرارت دادن و سیاه شدن این کاغذهاست. این آثار همراه قطعه‌ای سمعی از نیما پورکریمی نمایش داده شده‌اند. او براساس این تصاویر صدا را طراحی کرده است.

«درگیری با نور»،
چیدمان امیرسامان ابراهیمی
و نیما پورکریمی،
گالری «امکان»



«فراموشم مکن»

آناهیتا باقری

نمایشگاه انفرادی چیدمان حجم و ویدئو

مجموعه‌ی هنر معاصر «سو»

۲۱ مرداد تا ۱ شهریور ماه ۱۴۰۱

نقاشی به واسطه‌ی تخیل تجربه‌ی فراگیری است که به هنرمندان محدود نمی‌شود. همه‌ی ما بدون هیچ ابزاری در پهنه‌ی آسمان تنها با تخیل خود، ابرها را به اشکال مختلف نسبت داده‌ایم و در ذهن چیزهایی کشیده‌ایم. سپس سعی کرده‌ایم گوش‌ها، چشم‌ها و پوزه‌ی موجودی را که می‌بینیم برای دیگری توصیف کنیم تا تصویر در ذهن او هم شکل بگیرد. معمولاً این تصاویر عمر کوتاهی داشته‌اند و حتی خودمان هم آن شکل‌ها را زود از خاطر برده‌ایم. آناهیتا باقری راه تثبیت آن‌ها را در خلق هنر می‌بیند. در واقع او به این تجربه‌ها و خیالات جسم می‌بخشد. او ماده‌ی سبک کاغذ و پایه‌ماشه را درست مانند ابر معلق می‌کند؛ طوری که با حرکات خفیف باد تمام تصویری که می‌بینیم از بین می‌رود اما در عین حال شکل‌های تازه می‌آفریند. آثار او مدام در حال تغییرند. حجم‌ها از هر زاویه فرم کاملاً متفاوتی به خود می‌گیرند و بستری برای تخیل فراهم می‌کنند. منظره برای هنرمند مفهومی سیال و همیشه در حال تغییر است.



«فراموشم مکن»،

آناهیتا باقری،

مجموعه‌ی هنر معاصر «سو»

«نگه داشتن‌ها»

ندا میرحسینی

نمایشگاه انفرادی نقاشی

گالری «ا»

۲۸ مرداد تا ۹ شهریور ماه ۱۴۰۱

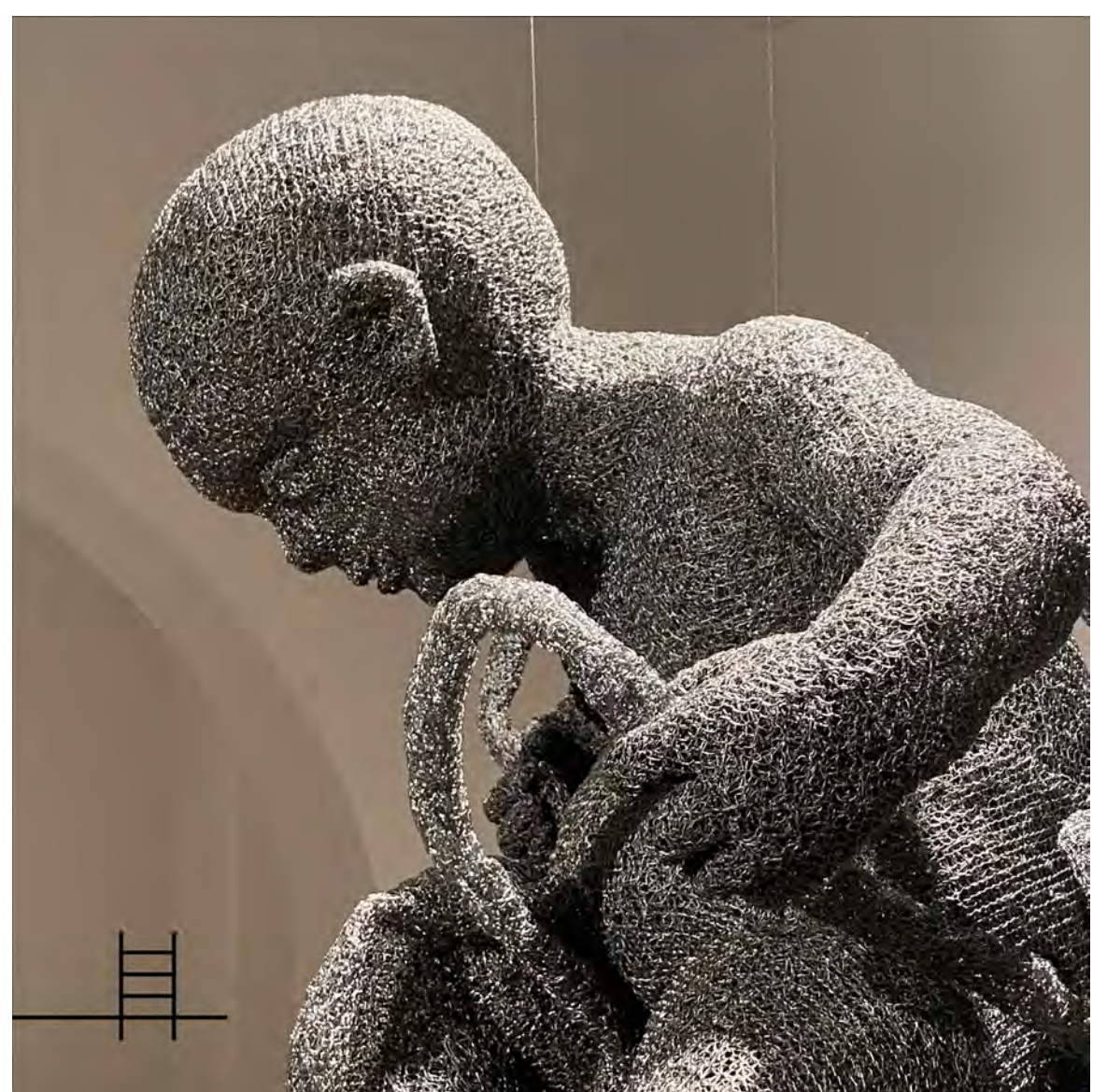
آثار ندا میرحسینی هم در موضوع و هم در شیوهی اجرا درباره‌ی زمان و حافظه‌اند. آثار ندا میرحسینی که آن‌ها را بیش‌تر از جنس طراحی می‌دانم شفاف هستند. طراحی فعالیتی است وابسته به زمان و امکان روایت‌گری و نمایش زمان را به هنرمند می‌دهد. نقاشی بیش‌تر شبیه محصولی نهایی است که روند کشیده شدنش زیر سنگینی رنگ‌ها دفن شده است. آثار میرحسینی تاریخ خود و رفتار هنرمند را نشان می‌دهند. هنرمند در بیانیه‌ی نمایشگاه درباره‌ی کار با مداد رنگی می‌نویسد که «روندی لایه لایه است». او فرآیند طراحی را مانند ظاهر شدن عکس پولاروید توصیف می‌کند، طوری که آرام آرام سطح سفیدی یک رویداد و خاطره‌ای را نشان می‌دهد. اگر از نزدیک کارها را نگاه کنیم، می‌توانیم این لایه‌ها را از هم تمیز دهیم. او پذیرای چنین نزدیک شدنی است و در کارهایش فضایی صمیمی و دوستانه می‌سازد.

«بیرون از زمان»
پری دخت مشک‌زاد
نمایشگاه انفرادی حجم و چیدمان
گالری «اثر»
۱۱ شهریور تا ۱ مهر ماه ۱۴۰۱

پری دخت مشک‌زاد موضوع خاطره را کاوش می‌کند. او متوجه است که معمولاً همه‌ی ما هنگام تجربه‌ی رویدادهای ناخوشایند به دشوار بودن آن واقف هستیم، اما هرچه زمان بگذرد و از آن دور شویم، تلخی آن را کم‌تر به یاد می‌آوریم. برعکس، خاطرات خوش با گذر زمان هم‌چنان شیرین باقی می‌مانند. خوشی بیش‌تر در یک دورنما معنا پیدا می‌کند.

کودکی از خوش‌ترین و آزادترین دورانی است که او تجربه کرده و در این مجموعه به یادآوری آن می‌پردازد. حجم‌های نمایشگاه بدن نوزادانی را نشان می‌دهند که معلق و رها هستند؛ گاهی تنها و گاهی در کنار اندام غول‌آسای یک بزرگسال. با وجود آن‌که این فرم‌ها از متریال سخت و سنگین فلز ساخته شده‌اند، تصویری که در این نمایش ساخته‌اند به شدت نرم، انسانی و سبک است. هنرمند شیوه‌ی خاصی برای ساخت حجم‌ها یافته است که به روند یادآوری خاطره نزدیک باشد. برای او خاطره چیزی به نظر می‌رسد که آرام آرام اجزای را می‌بافد. مسیری پیوسته که نمی‌توان یک جز آن را بدون برهم زدن بقیه تغییر داد. این حجم‌ها در نهایت تنها یک تصویر می‌سازند. و شبیه یک هولوگرام، خلأ را برای تصور کردن آن محصور کرده‌اند.

«بیرون از زمان»،
پری دخت مشک‌زاد،
گالری «اثر»



«زیر کلاه خود»
گیزلا وارگا سینایی
نمایشگاه انفرادی چیدمان و حجم
گالری «این جا»

۱۸ شهریور تا ۸ مهر ماه ۱۴۰۱

گیزلا وارگا سینایی از نسلی می‌آید که رفتار متفاوتی با هنر دارند. هنر آن‌چنان «والا» نیست که تنها با اصطلاحات تخصصی و سنگین درباره‌ی آن صحبت کند. در عوض لحنی مهربان و شیرین به کار می‌برد. این را می‌توان در مورد آثارش بدون دیدن او یا خواندن متن بیانیه‌اش فهمید. او برای خلق این مجموعه از قند قصه‌گویی استفاده می‌کند و شیرینی خیال از جنسی کودکانه را تصویر می‌کند. البته تمام این تصورات برای دور شدن از واقعیت تاریک جنگ و مرگ است. گیزلا خود در دوران جنگ جهانی دوم به دنیا آمده و شاهد جنگ ایران و عراق بوده است. او این تلخی را از نزدیک حس کرده است. جنگ سربازان را تبدیل به مهره می‌کند، هویت‌شان را می‌گیرد و نام‌شان را پاک می‌کند. گیزلا به کمک همان قصه‌ها، آن‌ها را، سربازان را، از اعداد دوباره به افراد تبدیل می‌کند. کلاه‌خودهای یکسان را با رنگ‌هایی براق و زیبا نقاشی می‌کند. اژدها و پرنده‌هایی سرخ و صورتی قابلیت‌های هیجان‌انگیز خیال را تصویر می‌کنند، تمام آن‌چه می‌توانست در زیر کلاه‌خود و در ذهن سربازان بگذرد.



«زیر کلاه خود،
گیزلا وارگا سینایی،
گالری «این جا»

دفترهای زمینه

اسفند ۱۴۰۱

صاحب امتیاز

محمد مهمانچی

ومدیرمسئول

سیاوش خائف

دبیرتحریریه

نگار کریم خانی

نویسنده

دلناز سالار بهزادی

ویراستار

پیمان پورحسین (استودیو کارگاه)

مدیرهنری

سپیده هنرمند (استودیو کارگاه)

طراح گرافیک

فریده ابطحی

مدیر اجرایی و مدیر پروژه

یاسمن نوزری

مدیر رسانه‌های اجتماعی

پرهام مرادی

مدیر فناوری

اشکان قویدل (آرمان پردازان نوژن)

مدیر فنی

کیانا ابریشمی

سرپرست مارکتینگ

هلیا رضائی

سرپرست روابط عمومی و

مالتی‌مدیا

خاتون فاروقی

طراحی و تولید ویدئو

نگار کریم‌خانی

سرپرست پروژه‌های محتوایی

فاطمه حیدر حسینی

کارشناس شبکه‌های اجتماعی

محسن توکلی

کارشناس پروژه ژنوم

طرلان بی‌طرف

کارشناس داده

منصور دهقانی

مدیر مالی

● تمام حقوق مادی و معنوی نشریه‌ی زمینه به پلتفرم زمینه
تعلق دارد.

● نقل و بازنشر مطالب زمینه با ذکر منبع آزاد است.

● محتوای منتشر شده صرفاً نظر نویسندگان است و لزوماً
منطبق با دیدگاه زمینه نیست.

